

5458

د.د.

۱

۱۴۳

بزرگ



سرشناسه: محمدعلی محمدعلی
عنوان قرارداد: ایران، قوانین و احکام
عنوان: صلاحیت دولت و مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع این دعاوی به داوری
تکرار نام پدید آور: محمدعلی محمدعلی
مشخصات نشر: قم: آشیانه مهر، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۱۴۳ ص.

ISBN 978-622-6732-19-2

وضعیت فهرست نویسی: قیفا
یادداشت: اثر حاضر در اصل پایان نامه مولف در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت می باشد.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۸-۱۳۱؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع: سازش (حقوق)

موضوع: اموال دولتی - ایران
موضوع: ایران - مجلس شورای اسلامی
موضوع: مالکیت دولتی - ایران - قوانین و مقررات
موضوع: اموال دولتی
موضوع: سازش (حقوق) - قوانین و مقررات - ایران
موضوع: قانون مدنی - ایران
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰، ص ۸، ۸۰۰ KMH
رده بندی دیسی: ۳۶۲/۵۵
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۳۲-۱۹-۲

انتشارات آشیانه مهر



صلاحیت دولت و مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و
ارجاع این دعاوی به داوری

مولف: محمدعلی محمدعلی

ناشر: آشیانه مهر

چاپ: یاران

ناظر چاپ: جواد امینیان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۳۲-۱۹-۲

ISBN: 978-622-6732-19-2

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

عنوان تحقیق

صلاحیت دولت و مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

و ارجاع این دعاوی به داوری

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاغِبِينَ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ،
وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ»

تقدیم به

- حضرت زهراء - سلام الله علیها - اول شهیده راه ولایت حضرت امیرالمومنین -

علیه السلام -

- امام مسطفیین حضرت بقیة الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لمقدمه

فداء -

- حضرت موصو - سلام الله علیها - که امیدی جز شفاعتشان ندارم.

- همه عالمانی که به انتظار حضور از تراشان حراست نمودند و امانتشان را به

دست ما سپردند - اعلی الله مقامهم الشریف -

تقدیر و تشکر

- از پدری که مرا با معارف اهل بیت -علیهم السلام- آشنا کرد.
- از مادری که دعایش را در همه زندگی راه گشای خود یافتم.
- از همه اساتید عزیزم - دامت برکاتهم - که رنج دوران تحصیل را به جان خریدند و آنچه در توان داشتند دریغ نفرمودند.
- از همسری که سختی های زندگی او را خم نمود و با همکاری مضاعف مشوق بود.
- از استاد عزیزم جناب آقای دکتر بهادری جهرمی - دامه توفیقاته - که زحمت هدایت این نگارش را با رهنمودهای عالمانه و دقیق خود پذیرفتند.
- از خداوند تبارک و تعالی برای همه این عزیزان و سروران، توفیق روز افزون و حسن عاقبت آرزو می نمایم.

فهرست مطالب

۲	پیشگفتار
	مبحث اول: تفسیر براساس اصول ادبی ولفظی مفاهیم در لغت و اصطلاح
۱۰	
۱۱	گفتار اول: مفهوم لغوی و اصطلاحی دعوا
۱۱	بند اول: مفهوم لغوی دعوا
۱۱	بند دوم: مفهوم اصطلاحی دعوا
۱۲	گفتار دوم: مفهوم لغوی و اصطلاحی اموال عمومی و دولتی
۱۲	بند اول: مفهوم لغوی اموال عمومی
۱۳	بند دوم: مفهوم لغوی اموال دولتی
۱۳	بند سوم: مفهوم اصطلاحی اموال عمومی و دولتی
۱۴	گفتار سوم: مفهوم لغوی و اصطلاحی داوری
۱۴	بند اول: مفهوم لغوی داوری
۱۴	بند دوم: مفهوم اصطلاحی داوری
۱۴	بند سوم: ارجاع به داوری
۱۵	گفتار چهارم: مفهوم لغوی و اصطلاحی تصویب
۱۵	بند اول: مفهوم لغوی تصویب
۱۵	بند دوم: مفهوم اصطلاحی تصویب
۱۶	گفتار پنجم: مفهوم لغوی و اصطلاحی قانون اساسی
۱۶	بند اول: مفهوم لغوی قانون اساسی
۱۶	بند دوم: مفهوم اصطلاحی قانون اساسی
	مبحث سوم: چارچوب نظری حاکم بر داوری موضوع اصل ۱۳۹ قانون
۳۳	اساسی

گفتار اول: نظریه کمیته بررسی و تفسیر بیا نیه ها	۴۰
گفتار دوم: اصل ۱۳۹ قانون اساسی اهلیت یا قابلیت دآوری	۴۲
مبحث چهارم: مفهوم شناسی اموال عمومی و دولتی و مصادیق آنها در قوانین و مقررات	۴۶
گفتار اول: تعریف اموال دولتی و عمومی در قانون مدنی	۴۶
گفتار دوم: مفهوم اموال عمومی و دولتی در قانون شهرداری ها و سایر مقررات	۴۸
گفتار سوم: اختیار دولت و سازمان های دولتی در مراجعه به دآوری بین المللی	۵۰
گفتار چهارم: نحوه ی برخورد دادگاه ها با اصولی نظیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی	۵۴
مقدمه	۶۰
مبحث اول : داور پذیری دعاوی دولتی در حقوق ایران	۶۱
گفتار اول: شرط ارجاع به دآوری	۶۱
گفتار دوم : آثار استقلال شرط دآوری	۶۲
گفتار سوم : آثار حقوقی توافق به دآوری	۶۶
گفتار چهارم : انتقال شرط دآوری	۶۷
گفتار پنجم : سلب صلاحیت از دادگاهها و محاکم قضایی	۶۸
گفتار ششم : حقوق داخلی برخی دولتها	۶۹
بند اول:	۶۹
بند دوم :	۶۹
بند سوم:	۷۰
بند چهارم:	۷۰

۷۲	 بند پنجم:
۷۵	 گفتار هفتم : اعتبار شرط داوری از دیدگاه حقوق بین الملل
۷۷	 گفتار هشتم : اعتبار شرط داوری از منظر برخی اسناد بین المللی
۸۱	 بند دوم: داوری داخلی
	 گفتار نهم: نگاه حقوقی نسبت به قید داوری در حقوق ایران، با توجه به
۸۵	 اصل ۱۳۹ قانون اساسی
۸۶	 بند اول: داوری بین المللی
۸۷	 گفتار دهم: ارجاع به داوری در نظام حقوقی ایران
۸۸	 بند اول
	 مبحث دوم: حدود و صلاحیت دولت و مجلس در رابطه با اصل ۱۳۹ قانون
۹۰	 اساسی
۹۰	 گفتار اول: ممنوعیت های کلی دولت ایران در ارجاع اختلاف به داوری
۹۱	 بند اول: قلمرو حقوق خصوصی
۹۱	 بند دوم: قلمرو حقوق عمومی
۹۲	 گفتار دوم: عطف به ماسبق شدن اصل ۱۳۹ قانون اساسی
۹۷	 گفتار سوم : ارتباط اصل ۱۳۹ با اصول ۷۷ و ۱۳۵ قانون اساسی:
۱۰۱	 گفتار چهارم: پیرامون ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان
۱۰۴	 گفتار پنجم : دعوی شرکت ملی نفت ایران علیه گات اویل
۱۰۵	 گفتار ششم : بررسی قراردادهای بیع متقابل
۱۱۰	 مقدمه
۱۱۰	 مبحث اول: مقررات مرتبط با اصل ۱۳۹ قانون اساسی
۱۱۲	 مبحث دوم: تفاوت نگرش دولت و دیگران در اصل ۱۳۹ قانون اساسی
۱۱۴	 مبحث سوم : موانع حقوقی در ارتباط با طرف خارجی

گفتار اول: ارائه پیشنهادات لازم در مواجهه با اصل ۱۳۹ قانون اساسی. ۱۱۷.

بند اول: تصویب قانون عادی..... ۱۱۷.

بند دوم: موافقت نامه های دو جانبه حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و

اصل ۱۳۹ ق. ۱..... ۱۱۸.

نتیجه گیری و پیشنهادات:..... ۱۲۵.

قرآن کریم..... ۱۲۸.

منابع فارسی..... ۱۲۸.

منابع انگلیسی..... ۱۳۱.

Error! Bookmark not defined...... Abstract

چکیده

داوری که به عنوان یکی از بارز ترین مصادیق حل و فصل اختلافات به شمار می آید، در نظام حقوقی ایران نیز دارای جایگاهی درخور و ویژه می باشد، به نحوی که در قوانین متعدد، سعی قانون گذار اساسی و عادی در قاعده مند سازی و طرح ریزی چارچوب هایی در جهت به حداکثر رسانیدن ظرفیت های آن می باشد. این مهم در قانون اساسی تنها به بخشی از دعاوی، در قالب ساز و کارهای خاص خود اختصاص یافته است؛ بدین توضیح که داوری منظور در اصل ۱۳۹ صرفاً مختص دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی و آن هم صرفاً بعد از سپری نمودن مقدمات و تشییقاتی ویژه امکان پذیر می باشد. تصویب ارجاع دعاوی مورد اشاره به داوری توسط هیأت وزیران و اطلاع مجلس زمانی که این دعاوی علی رغم داخلی بودن، دارای اهمیت قلمداد نگردند لازم می آید و تصویب هر دو نهاد مذکور وقتی که دعوا یا دارای طرف خارجی می باشد و یا علاوه بر داخلی بودن مهم تلقی می گردد، ضروری است. ابهامات حاکم بر اصل مقصود، خصم صا در عرصه عمل و عدم ارائه تفسیر مقتضی از سوی شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان مفسر اصلی اصول قانون اساسی، اجرای این اصل را دچار مشکلاتی چند نموده است که از جمله موارد بروز این اشکالات، تشتت حاکم بر آرای صادره از سوی مقامات و مراجع مربوطه و ظهور چندگانگی در تفسیر و فهم این اصل می باشد.

واژگان کلیدی: داوری، اموال عمومی و دولتی، شرکت های دولتی، قانون

اساسی، صلح دعاوی، صلاحیت دولت و مجلس.

پیش گفتار

www.ketab.ir

پیشگفتار

داوری که به عنوان یکی از بارزترین مصادیق حل و فصل اختلافات به شمار می آید، در نظام حقوقی ایران نیز دارای جایگاهی درخور و ویژه می باشد، به نحوی که در قوانین متعدد، سعی قانون گذار اساسی و عادی در قاعده مند سازی و طرح ریزی چارچوب هایی در جهت به حداکثر رسانیدن ظرفیت های آن می باشد. این مهم در قانون اساسی تنها به بخشی از دعاوی، در قالب سازو کار های خاص خود اختصاص یافته است؛ بدین توضیح که داورى منظور در اصل ۱۳۹ صرفاً مختص دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی و آن هم صرفاً بعد از سپری نمودن مقدمات و تشریفاتی ویژه امکان پذیر می باشد. تصویب ارجاع دعاوی مورد اشاره به داورى توسط هیات وزیران و اطلاع مجلس زمانی که این دعاوی علی رغم داخلی بودن، دارای اهمیت قلمداد نگردند، لازم می آید و تصویب هر دو نهاد مذکور وقتی که دعوا یا دارای طرف خارجی می باشد و یا علاوه بر داخلی بودن مهم تلقی می گردد، ضروری است. ابهامات حاکم بر اصل مقصود، خصوصاً در عرصه عمل و عدم ارائه تفسیر مقتضی از سوی شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان مفسر اصلی اصول قانون اساسی، اجرای این اصل را دچار مشکلاتی چند نموده است که از جمله موارد بروز این اشکالات، تشتت حاکم بر آرای صادره از سوی مقامات و مراجع مربوطه و ظهور چندگانگی در تفسیر و فهم این اصل می باشد. بدون تردید در اجتماع انسانی که بصورت دولتی اداره می شود برای خدمت رسانی به مردم، مالکیت دولت بر اموال عمومی و دولتی مطرح است. با توجه به

اینکه اموال عمومی و دولتی ملک شخصی دولت ها نیستند و برای تامین منافع عمومی در اختیار دولت ها قرار دارند، حل و فصل اختلافات و دعاوی راجع به این اموال موضوعیت می یابد تا امکان تعدی و سوء استفاده به حداقل برسد. در این زمینه «اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» راجع به اتخاذ تصمیماتی در مورد این اموال توسط دستگاه دولت از قبیل صلح و ارجاع به دعاوی برای حفظ حقوق عمومی و بیت المال، ترتیبات خاص مقرر کرده است که عموماً در جهت ایجاد محدودیت برای اقدامات یک جانبه از طریق نظارت اطلاعاتی و استصوابی می باشد «در موارد مهم داخلی و در مواردی که طرف دعوی خارجی است».

باتوجه به مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی می توان گفت وظیفه قانونی و ذاتی دولت به عنوان نماینده مردم و حقوق عمومی حفاظت از منافع و حقوق ملت می باشد. در دعاوی صلح و ارجاع امر به داوری می بایست منافع عمومی مردم لحاظ شود و در هر قرار دادی چه با طرف قرار داد داخلی و چه خارجی منعقد شده باشد، دولت عنوان مدافع و حافظ منافع عمومی و حفاظت از بیت المال که متعلق به عموم مردم می باشد را دارد. به همین دلیل قانون باید قبل از تنظیم قرار داد صلح در دعاوی و ارجاع دعاوی به داوری، کارشناسی لازم را دولت انجام داده باشد تا «رزمان انعقاد قرار داد و دعاوی صلح و ارجاع آن به داوری، هیچ ضرری متوجه حقوق عمومی و بیت المال نگردد».

به دلیل آنکه حفظ حقوق عمومی و بیت المال که متعلق به همه اقشار و آحاد ملت است جزء وظایف قانونی و شرعی دولت است، دولت باید در این ارتباط پاسخگو باشد و هیچ قصور و تقصیری از دولت پذیرفته نخواهد بود. لذا بعد از بررسی همه جانبه و انجام کار کارشناسی دقیق به موجب مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی در ابتدا باید دعاوی صلح و یا ارجاع امر به داوری به تصویب هیات وزیران برسد تا جنبه قانونی پیدا کند و قابلیت اجرایی داشته باشد. از طرف دیگر به جهت اهمیت نفوذ حقوق عمومی مردم و بیت المال و پیشگیری از تضییع حقوق و حفظ بیت المال در زمان تنظیم اصل قانون اساسی و تصویب اصل ۱۳۹ آن، حق نظارت در اجرای دعاوی صلح و ارجاع دعاوی به داوری به نمایندگان مجلس شورای اسلامی واگذار گردیده است. به نظر می رسد این نظارت برای نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی تکلیف و الزام می باشد. دولت نیز بر اساس مفاد اصل مذکور موظف است صلح داوری و ارجاع دعاوی به داوری را به اطلاع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برساند.

سوالی که به ذهن می رسد و باید علمی به آن پاسخ داده شود این است که نظارت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مورد صلح دعاوی و ارجاع آن به داوری برحسب مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی نظارت استصلاعی یا استصوابی است؟

آنچه که از مفاد اصل مذکور استفاده می شود باتوجه آمره بودن اصول قانون اساسی به نظر می رسد، نظارت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مورد صلح دعاوی و

ارجاع دعاوی به داوری، نظارت استصوابی باشد و شاید این نظریه مورد پذیرش دولت قرار نگیرد. توجیح نظر دولت در مورد عدم پذیرش نظارت استصوابی مجلس شورای اسلامی می تواند بدین جهت باشد که این نظارت موجب محدودیت اختیارات دولت خواهد شد. به هر دلیل هر دو نظریه ذکر شده می تواند برای خود توجیهاتی داشته باشد که در جای خود قابل بحث خواهد بود.

نکته دیگری که به نظر می رسد قابل بحث باشد، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر صورت موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در صورتی که بین دولت و مجلس شورای اسلامی در مورد استصوابی و استصلاعی بودن نظارت اختلافات پیش آمد چه مرجعی باید این اختلاف را حل و فصل نماید. این اختلافات می تواند دو برداشت از اصل ۱۳۹ قانون اساسی را به همراه داشته باشد که هر کدام از دو برداشت نتیجه و تبعات خاص خودش را خواهد داشت و در جایگاه خودش باید بحث شود. چرا که در مواردی که طرف دعوی خاص باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد، موارد مهم را هم قانون تعیین می کند.

در مورد مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی یک مشکل نیز باید حل شود که می تواند یک سوال حقوقی و قضایی باشد. چنانچه دولت بدون توجه به وظیفه قانونی خود، قرارداد و صلح دعاوی و یا ارجاع امر به داوری را پس از تصویب در هیات وزیران بدون اطلاع مجلس شورای اسلامی به اجراء گذاشت آیا قابل ابطال خواهد بود یا

خیر؟ و در صورتی که قابل ابطال باشد از ناحیه چه مرجعی باید ابطال شود. اگر چنانچه معتقد به عدم ابطال به آن قرار داد باشیم، در صورتی که به منافع ملت و بیت المال ضرر و خسارت وارد شود، چه مرجعی باید این خسارت را بررسی و یا جبران نماید؟

سوال دیگر اینکه مجلس شورای اسلامی هم چنانچه به وظیفه قانونی خود مبنی بر نظارت احوال و کوتاهی کرد چه مرجعی باید پیگیر و مطالبه گر و یا پاسخگو باشد؟

اکنون با توجه به مطالب فوق ذکر و با عنایت به مشارکت دوقوه در صلح دعاوی و ارجاع آن به داوری در کنار پذیرش استقلال قوا در نظام حقوق اساسی ایران، بررسی نقش و جایگاه هر کدام از این دوقوه در این امر موضوعیت و اهمیت می یابد و سوال این است که «نقش و جایگاه دولت و مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی ارجاع این دعاوی به داوری چیست؟».

اموال عمومی و دولتی از دیرباز مورد توجه و عنایت بوده است. اهمیت این موضوع باعث گردید تا اصل ۱۳۹ قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران به بیان صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری بپردازد. از آن زمان تاکنون تالیفات متعددی در مسائل مربوط به این اصل تدوین گردیده است که از میان آنها می توان به عنوان نمونه از این عناوین یاد کرد:

کتاب «درآمدی بر قابلیت ارجاع در داورهای تجاری بین المللی» نوشته جواد خلف سیدی در سه فصل تدوین و فصل دوم آن مربوط به «دعای مشمول اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی» می باشد. فصل سوم آن درمورد قانون حاکم بر قابلیت دآوری بحث می نماید. کتاب دیگر در این زمینه تحت عنوان «موافقت نامه های بین المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با بررسی تحلیلی نظرات شورای نگهبان» نوشته حسین خلف رضایی، در فصل سوم ذیل موضوع «اجرای موافقت نامه بین المللی» موضوع دآوری بین المللی در موافقت نامه های بین المللی را بصورت مختصر بررسی نموده است.

پایان نامه «بررسی مبانی فقهی مالکیت نظام اسلامی بر اموال عمومی» (یزدان شناس، شهلا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج) و مقالات با عناوین «تصرف غیرقانونی در وجوه اموال دولت و عمومی» (نبری، محمد صالح)، «تشریفات ویژه مطالعه و دآوری دعای دولت» (لاکیده، امین - اعتمادی، الهه - نادری، فیاد، ارائه شده در همایش های ایران، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، مرکز راهبردی مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر ۱۳۹۲) که در این مقاله «دآوری دعای دولت را در محدودیت و ممنوعیت مصالحه دعای دولتی» تحلیل می نماید.

ضمن احترام به تمام زحمات سابق، به مورد صلح دعای اموال عمومی و دولتی اشاره نگردیده. کتاب حاضر این ویژگی را دارد که مسئله «صلح دعای راجع به

اموال عمومی و دولتی و ارجاع این دعاوی به داوری» را با تلاش برای رفع ابهامات موجود بررسی می نماید.

سوالاتی که در اینجا مطرح می شود این است که:

صلاحیت دولت و مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع این دعاوی به داوری چیست؟

الف) جایگاه دولت در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع این دعاوی به داوری چیست؟

ب) جایگاه مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع این دعاوی به داوری چیست؟

ج) مرجع رسیدگی به اختلاف قوا و یا اعمال در وظیفه توسط قوا در این خصوص چه جایگاهی خواهد بود؟

ارائه این کتاب که در پنج فصل تدوین شده است بدین نحو است که در ابتدا در مورد مبانی نظری و تفاسیر مطرح شده در رابطه با اصل ۱۳۹ قانون اساسی توضیح داده می شود و فصل دوم داوری پذیری دعاوی دولتی و حدود صلاحیت دولت و مجلس در رابطه با اصل ۱۳۹ قانون اساسی و در ادامه فصل سوم در مورد نقش دولت و ارجاع دعاوی با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ارائه پیشنهادات لازم در

مواجهه با اصل ۱۳۹ قانون اساسی پرداخته می شود و در آخر نتیجه گیری و پیشنهادات لازم مطرح می گردد.

www.ketab.ir